



## نگاه اسرائیل به ایران هسته‌ای

رضا چراغ افروز

دانشجوی دکترا در رشته

حقوق بین‌الملل

آمریکا در حمایت از قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر علیه ایران اشاره کرد. اسرائیل تلاش کرده است تا برای افزایش فشار دیپلماتیک بر تهران به منظور متوقف نمودن برنامه غنی‌سازی اورانیوم این کشور، یک احساس وضعیت اضطراری را در جامعه تشدید کند که با استفاده از همین شیوه‌ها تا حدود زیادی توانسته است این هدف را تحقق بخشد. مرکز مطالعات جافی تحلیلی را در خصوص برنامه هسته‌ای ایران ارایه داده است که نشانگر دیدگاه طرفداران گزینه سیاسی در این زمینه می‌باشد و ما در این مقاله به چکیده‌ای از آن اشاره می‌کنیم. این مرکز دلیل اهمیت دست‌یابی ایران به تسلیحات هسته‌ای برای تل‌آویو را این گونه بیان می‌کند که دست‌یابی ایران به تکنولوژی هسته‌ای یک وضعیت جدید را ایجاد می‌کند چرا که برای نخستین بار از زمان تشکیل دولت اسرائیل یکی از دشمنان آن (ایران) توانایی نابودی این کشور را خواهد داشت اما تهدید هسته‌ای ایران به چند دلیل کاهش پیدا می‌کند. اول این که انگیزه اصلی ایران برای دست‌یابی به توانایی هسته‌ای دارای ماهیتی دفاعی و بازدارندگی است چرا که ایران بر خلاف رژیم صدام حسین در گذشته، تاکنون تمایل چندانی به انجام اقدامات ماجراجویانه و پرخطر از خود نشان نداده است و با مشاهده کشورهای دیگری که به تسلیحات هسته‌ای دست یافته‌اند، می‌توان نتیجه

این به هم خوردن توازن قوا در منطقه ناشی از تهدیدات هسته‌ای را خطری مهلک برای امنیت ملی خود تعریف می‌کند. یکی از نگرانی‌های عمده استراتژیک اسرائیل ناشی از پیشرفت برنامه‌های موشکی بالستیک جمهوری اسلامی ایران و توانایی آنها در حمل کلاهک‌های هسته‌ای است.

به طور کلی در اسرائیل گروهی شیوه‌های سیاسی و دیپلماتیک را در مقطع حاضر بهترین گزینه برای جلوگیری از رشد توانایی هسته‌ای ایران می‌دانند. اما گروه دیگر به تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم نظامی اعتقاد دارند و معتقدند که فشارهای سیاسی بین‌المللی نمی‌تواند ایران هسته‌ای را کنترل کند.

مقامات اسرائیل در این راه از کلیه اقدامات رسانه‌ای و مراکز پژوهشی خود که دیدگاه مقام‌ها و نخبگان اسرائیلی را انعکاس می‌دهند، نهایت استفاده را کرده‌اند، از جمله مهمترین این مراکز، مرکز مطالعات استراتژیک "جافی" مرکز "بگین-سادات" و روزنامه‌هایی همچون "ها آرتس" و "جروزم پست" است.

استراتژیست‌های این رژیم در خصوص دیدگاه اول یعنی گزینه سیاسی بر علیه ایران تلاش‌های بسیار زیادی را در عرصه دیپلماتیک انجام داده‌اند که از جمله آنها می‌توان به سلسله مذاکرات سران این کشور با رهبران چین و روسیه و همچنین ترغیب

پیامدهای برنامه‌های هسته‌ای ایران از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و در صحنه‌های ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی قابل بررسی است. در این نوشتار سعی شده که به بررسی دیدگاه‌های موجود در رژیم نامشروع اسرائیل نسبت به این برنامه‌ها پرداخته شود.

در ابتدا باید گفت علی‌رغم اقدامات و شفاف‌سازی‌های جمهوری اسلامی در این راستا، اسرائیل همچنان در قبال روند هسته‌ای شدن ایران با رویکردی امنیتی-نظامی می‌نگرد و بیشتر نگرانی این رژیم از این روست که این روند را به طور کلی نظامی می‌بیند و یا معرفی می‌کند.

لذا این نگرش که ناشی از فقدان عمق استراتژیک در ادبیات دکترین امنیت ملی اسرائیل است، تجهیز و مدرنیزه شدن نیروهای مسلح در ایران پس از دفاع مقدس به ویژه در امور نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، نگرانی اسرائیل را به واسطه همین فقدان عمیق استراتژیک از دست‌یابی ایران به تکنولوژی هسته‌ای در منطقه افزایش داده است، و



۳ و یا ۴ تاسیسات غنی‌سازی ایران همزمان مورد حمله و کاملاً منهدم شوند و بعید است که حمله مشابه به راکتور عراق نتیجه‌ای موفق داشته باشد. چرا که ایرانیان احتمال حمله اسرائیل را در برنامه‌ریزی تاسیسات خود مدنظر قرار داده‌اند. این موسسه ادعان دارد که هر گونه تحرکی علیه ایران به طور حتم باید با هماهنگی کامل آمریکا صورت گیرد.

در نهایت این موسسه دیدگاه خود را که مبتنی بر گزینه سیاسی است این گونه به پایان می‌برد که با توجه به مشکلات و خطرات گزینه نظامی، اسرائیل باید به این موضع روی آورد که مسوولیت اصلی در رابطه با تهدید هسته‌ای ایران را از راه‌های دیپلماتیک و حتی نظامی بر عهده ایالات متحده بگذارد چرا که:

۱- تهدید ایران صرفاً برای اسرائیل نیست بلکه منافع حیاتی آمریکا و متحدانش را نیز به خطر می‌اندازد.

۲- آمریکا از آمادگی بهتری برای حمله به ایران و کنار آمدن با پیامدها و خطرهای آن برخوردار است. پس حل چنین مشکل بزرگی در توانایی یک ابرقدرت همچون آمریکا است نه یک قدرت منطقه‌ای مانند اسرائیل.

لذا اسرائیل باید در جهت رسیدن به توافقی با آمریکا تلاش کند که در آن آشکارا اعلام گردد که اگر ایران از تسلیحات هسته‌ای بر علیه اسرائیل یا هر متحد دیگرش استفاده کند به منزله‌ی حمله‌ی هسته‌ای به ایالات متحده بوده و پاسخ مقتضی را به دنبال خواهد داشت، چرا که چنین توافقی مشخص می‌کند ایالات متحده، تهدید هسته‌ای ایران بر ضد متحدانش را تحمل نخواهد کرد. پس در یک جمله این دیدگاه معتقد است که در نهایت گزینه نظامی از سوی اسرائیل راه چاره‌ی موثری نیست چرا که پیچیدگی فراوانی دارد و موفقیت آن تضمین نشده است.

یکی دیگر از افراد در اسرائیل در عین این که خواستار توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران است و اعتقاد به فشارهای دیپلماتیک دارد، پروفیسور جرال د اشتاینبرگ است. وی که دارای مدرک دکترا از دانشگاه کربل بوده و استادیار دانشگاه بار-ایلان در رشته علوم سیاسی است، گزینه‌های اسرائیل در خصوص مساله‌ی هسته‌ای ایران را این گونه مطرح می‌کند: اسرائیل باید تا حد ممکن منتظر نتیجه تلاش‌های بین‌المللی باشد و در صورت شکست آنان باید روی توانایی خود حساب باز کند.

اسرائیل است چرا که چتر هسته‌ای به ایران احساس اعتماد به نفس بیشتری می‌دهد. به عنوان مثال در مورد اسرائیل این رفتار تهاجمی می‌تواند از طریق افزایش حملات موشکی حزب‌الله به شمال اسرائیل نمود پیدا کند.

ثانیاً: توانایی هسته‌ای جایگاه ایران را به عنوان حامی اصلی عناصر رادیکال در منطقه تقویت می‌کند و این امر سبب می‌شود تا کشورهای میانه‌رو منطقه سیاست‌های خود را به ایران نزدیکتر کنند و همین مساله به روابط صلح‌آمیز آنها با اسرائیل آسیب می‌زند.

ثالثاً: وجود تسلیحات هسته‌ای در ایران باعث ایجاد یک رقابت تسلیحاتی در منطقه می‌شود و این انگیزه را در کشورهای دیگر مثل سوریه، مصر و عربستان ایجاد می‌کند که به توسعه تسلیحات هسته‌ای روی بیاورند.

این موسسه سپس به ارزیابی حمله احتمالی اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای ایران می‌پردازد و مشکلات آن را ضمن مقایسه با تاسیسات عراق این گونه بیان می‌کند که تاسیسات هسته‌ای ایران نسبت به راکتور عراق بسیار دورتر از اسرائیل هستند و از آنها به خوبی محافظت می‌شود و برخی از آنها نیز در عمق زمین قرار دارد که با یک حمله نمی‌توان همه‌ی آنها را از بین برد، لذا لازم است برای وارد ساختن خسارت کامل، بر مبنای یک اطلاعات دقیق

گرفت ایران نیز این تسلیحات را به عنوان آخرین کارت و تنها زمانی به کار می‌برد که یک خطر استراتژیک بزرگ و فوری آن را تهدید کند که در حال حاضر علی‌رغم اظهارنظرهای برخی مقامات ایرانی، این کشور اسرائیل را یقیناً چنین تهدیدی نمی‌داند و تمایل آن به نابودی اسرائیل مساله‌ای نیست که توجیه‌کننده استفاده از تسلیحات هسته‌ای باشد و دومین کاهش این تهدید، بازدارندگی در مقابل آمریکا است. به نظر این موسسه ایران به خوبی از ضعف نظامی خود در مقابل آمریکا آگاه است و رویارویی نظامی با آمریکا آخرین سناریو برای آن است. همچنین ایران از ارتباطات استراتژیک میان آمریکا و اسرائیل و همچنین تعهدات دولت آمریکا برای تامین امنیت اسرائیل آگاه است.

بنابراین می‌داند که هر نوع حمله‌ای به اسرائیل به تلافی همه جانبه آمریکا منجر می‌شود و از طرف دیگر ایران می‌داند که اسرائیل دارای زرادخانه‌های هسته‌ای بزرگ بوده و توانایی بازدارندگی در مقابل ایران را دارد. لذا این امر در نهایت می‌تواند به توازن وحشت و بازدارندگی متقابل هسته‌ای منجر گردد. اما این مرکز معتقد است که با این همه اسرائیل نمی‌تواند نگران یک ایران مجزه به توانایی هسته‌ای نباشد زیرا:

اولاً: یک ایران مسلح به سلاح هسته‌ای مستعد رفتار تهاجمی تری در برابر کشورهای دیگر از جمله